

محمد افروغ \*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۶/۲۸

## بررسی و تحلیل نقش و نگاره‌های آبریزهای موصل

(مطالعه موردی: آبریز احمد زکی النقاش موصلی، آبریز یونس بن یوسف موصلی، آبریز قاسم بن علی موصلی، آبریز ابراهیم بن موالیای موصلی)

### چکیده

آبریزها (ابریق)، یکی از مهم‌ترین تولیدات هنر فلزکاری در فرهنگ و تمدن دوران اسلامی است. اوج کاربرد، شکوه و زیبایی آبریزها به قرن‌های چهارم تا هفتم هجری قمری یعنی دوران سلجوقی و ایلخانی در مکاتب فلزکاری خراسان در ایران و غرب ایران به طور خاص موصل، برمی‌گردد. مکتب فلزکاری موصل، با بهره‌گیری از مواد با کیفیت و در دسترس، فنون ساخت، تزئینات، موضوعات تزئین در هنر فلزکاری ایران (عصر ساسانی و سلجوقی) و هم‌چنین ابداع و نوآوری در فنون ساخت، شیوه و موضوع تزئین، توانست به یکی از قطب‌های مهم فلزکاری جهان اسلام در قرن ششم و به‌ویژه هفتم تبدیل شود. حاصل این شهرت و آوازه تولیداتی هم‌چون آبریزهای ترصیع کاری شده در شکل‌ها و حجم‌های متنوع است که امروزه برخی از آن‌ها زینت‌بخش موزه‌های مختلف دنیا است. در این مقاله چهار نوع از این آبریزها از منظر فن ساخت، شیوه‌ها و موضوعات تزئین مورد مطالعه، بررسی، تحلیل و معرفی قرار می‌گیرد. استفاده از فلزات و آلیاژی‌هایی چون مس، طلا، نقره، برنج (مس و روی) و مفرغ (مس، قلع و سرب) در ساخت، و نیز شیوه قالب‌گیری و ریخته‌گری در شکل‌دهی، انواع تزئینات نظیر مشبک کاری، ترصیع کاری یا فلزکوبی و یا خاتم کاری فلز (قرارگیری طلا، نقره و یا مس در زمینه اثر) به‌عنوان مهم‌ترین شیوه تزئین، موضوعات تزئین شامل شکار، نبرد، موسیقی، ورزش، آرایش زنانه، صحنه‌های زندگی درباری و اشرافی، مضمون سلطان نشسته بر تخت به‌صورت چهار زانو، از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق حاضر است. تحقیق پیش رو از منظر هدف، بنیادین و از منظر روش، توصیفی تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و جستجو در موزه‌ها می‌باشد.

### کلید واژه:

فلزکاری  
موصل  
آبریز  
فن ساخت  
تزئین

استادیار دانشگاه اراک \*

mafrough@araku.ac.ir

## مقدمه

هنر صنعت فلزکاری موصل، یکی از جلوه‌گاه‌های برجسته تمدن، هنر و هویت اسلامی است که در موصل قرن ششم و هفتم هجری (عصر سلجوقی و مغول) توسط هنرمندان و صنعت‌گران ماهر این منطقه و البته هنرمندان فلزکار ایرانی و خراسانی که به واسطه مهاجرت (در اثر حمله ویران‌گر مغولان) به منطقه غرب ایران هم‌چون آذربایجان و موصل، اتفاق افتاد، به بار نشست. آثار هنری فلزی، منابع و مستندات ارزشمندی در شناخت، معرفی فرهنگ، هنر، هویت، اوضاع سیاسی، اجتماعی، و مذهبی زمان خود هستند و از این رهگذر، مکاتب فلزی به ویژه مکتب فلزکاری موصل می‌تواند عامل مهمی در این زمینه باشد. موصل یکی از شهرهای مهم عراق است که در عصر عباسی نقش بزرگی در شکوفایی هنر فلزکاری داشته است. این منطقه بخشی از جزیره‌العرب بود و در برخی از منابع نیز با نام جزیره یاد شده است. مکتب فلزکاری موصل که در طول حکومت خلفای عباسی به تدریج شکل گرفته بود و هم‌زمان با حکومت سلجوقی تا پایان دوره مغول به اوج پیشرفت رسید؛ توانست با بهره‌گیری از فنون و شیوه‌های تولید و تزئین از تمدن‌های هم‌جوار نظیر تمدن ساسانی در گذشته و مکتب فلزکاری خراسان در عصر سلجوقی و ابداع، ایجاد خلاقیت، پخته‌گی و نُخبه‌گی در خلق آثار فلزی و نیز انتقال تجربیات خود به شام (دمشق و حلب) و مصر (قاهره) و تأثیرگذاری در شکل‌گیری و رونق مکاتب فلزکاری در این سرزمین‌ها، به یکی از فعال‌ترین و پیشرفته‌ترین مکاتب فلزی و شهرهای تولید آثار فلزی در جهان اسلام مبدل گردد. در این مقاله سعی بر آن است تا ضمن معرفی مکتب فلزکاری موصل، به بررسی، تحلیل و معرفی چهار آبریز یاد شده از منظر مواد تولید، فنون ساخت، شیوه تزئین و موضوعات تزئین بر بدنه آن‌ها، پرداخته شود.

## پیشینه پژوهش

در ارتباط با مکتب فلزکاری، "آثار فلزی موصل در عصر عباسی (العبيدي، ۱۳۹۰)"، نخستین و تنها کتابی است که به‌طور مشخص در زمینه هنر فلزکاری مکتب موصل به‌طور جامع و علمی توسط هنرشناس عرب و عراقی صلاح حسین العبيدي نگارش و توسط محمد افروغ و مسعود احمدی ترجمه شد. در این کتاب محقق به توصیف، تحلیل و معرفی انواع مصنوعات فلزی ساخت مکتب فلزکاری موصل در زمان عباسیان و سلجوقیان می‌پردازد اگرچه این مکتب در فرایند تولید نقش‌پردازی وام‌دار و متأثر از هنر فلزکاری ساسانی و سلجوقی است، لیک آن‌گونه که شایسته و بایسته است، به این تأثیرپذیری اشاره نشده است. "پژوهشی در شیوه‌های ساخت و مضامین مکتب فلزکاری موصل، مطالعه موردی: صندوقچه و شمعدان بدرالدین لؤلؤ (افروغ و قانی، ۱۳۹۲)"، مقاله دیگری است که در ارتباط با مکتب فلزکاری موصل به نگارش درآمده است. در این مقاله نویسندگان به معرفی، بررسی و تحلیل مؤلفه‌ها و مضامین زیبایی‌شناختی آثار فلزی موصل پرداخته‌اند. "نقدی بر انتساب سه اثر از فلزکاری غرب ایران به مکتب موصل در نیمه اول قرن هفتم هجری؛ عودسوز ابوبکر سنی رازی، ابریق و شمعدان موزه ویکتوریا و آلبرت (رضازاده و هم‌کاران، ۱۳۹۲)"، عنوان مقاله دیگری است که موضوع آن اگرچه رد نظریات محققان مبنی بر انتساب آثار مورد مطالعه به مکتب فلزکاری موصل و اثبات انتساب و تعلق آن‌ها به کانون‌های فلزکاری ساخت شمال غرب ایران و میان‌رودان است، لیک به مکتب فلزکاری موصل اشاره داشته و از آن نام برده است.

## مکتب فلزکاری موصل: آثار تولیدی، فنون ساخت، تزئین و موضوعات تزئین


موصل یکی از شهرهایی که در تولید آثار هنری کاربردی به‌طور خاص فلز، در تمدن اسلامی شهره و سرآمد بود. شهر موصل در سال ۴۸۹ هـ / ۱۰۹۶ م به تصرف سلجوقیان درآمد و هنرها و پیشه‌های مختلف به‌دست آنان شکوفا شد. این شهر در ایام فرمانروایی حاکمان آل‌زنگی<sup>۱</sup> بین سال‌های ۶۰۰ تا ۵۱۶ هجری قمری و به‌طور خاص در قرن هفتم به اوج درخشش خود در هنر رسید. از ویژگی‌های آشکار اتابکان آل‌زنگی در موصل و به‌ویژه در دوران بدرالدین لؤلؤ، توجه به انواع صنایع، فنون و انواع هنرها به‌ویژه هنر-صنعت فلزکاری بود. «دوره رونق آثار فلزی شهر موصل در ایام فرمانروایی بدرالدین لؤلؤ، بر موصل و سرزمین‌های اطراف آن بوده‌است» (تالوت‌رایس، ۱۳۸۴: ۱۱۰). محققان بسیاری در حوزه هنر فلزکاری موصل، گفته‌های تحلیلی و توصیفی متنوع و بسیاری داشته‌اند، که قابل تأمل است. یکی از ویژگی‌های برجسته آثار فلزی موصل که نمودی آشکار در تولیدات این مکتب دارد، تأثیرپذیری و الگوبرداری از عناصر، نمادها و نقش‌مایه‌های دوران ساسانی و سلجوقی (مکتب فلزکاری خراسان)<sup>۲</sup> است. از آنجایی که ساسانیان در فلزکاری مشهور بوده‌اند و بعید نیست که این هنر در شهر موصل از همان عصر ساسانی یا حتی اندکی قبل از ایشان وجود داشته‌است و همچنان تا دوره سلجوقی و بعد از آن پابرجا مانده‌است. «شهر موصل هم‌چنان در طی قرن هفتم هجری، پیشاهنگ شهرهای ساخت آثار فلزی مرصع‌کاری بوده‌است. این صنعت را فلزکاران موصلی پس از حمله مغول در سال ۶۶۰ هـ / ۱۲۶۲ م که از این شهر آواره شدند و پس از سقوط این شهر، به شهرهای دمشق و قاهره گریختند و فعالیت خود را در آن‌جا ادامه دادند، شباهت آثار موصل با آثار قاهره و دمشق از نظر ساخت و تزئین، دلیل بر این مدعاست» (العبدی، ۱۹۷۰: ۳۳). در مکتب فلزکاری موصل، آثار مختلف و متنوع کاربردی جهت استفاده و کاربرد روزانه استفاده می‌شد. برخی از این وسایل عبارت است از: آبریز<sup>۳</sup>، شمعدان، جوهردان (مرکب‌دان)، بخوردان، پی‌سوز، تشت (لگن)، کاسه، سینی، گلدان، صندوقچه، ابزارآلات نجومی هم‌چون اسطرلاب، ساعت آفتابی، ابزارآلات جنگی و غیره. روش‌های ساخت و شکلی دهی آثار فلزی در موصل از شیوه‌های معمول و رایج دوران ساسانی بهره‌گیری شد. ضمن این‌که پیشرفت، خلاقیت و نوآوری در این روش‌ها به سطح بسیار بالایی رسید. «اعراب مسلمان از هنرها و صنایع گوناگون ملل تحت حکومتشان به‌ویژه ایران استفاده کردند. در ایران و عراق به‌خصوص شهر موصل در زمینه ساخت آثار فلزی، همان روش‌های فلزی زمان ساسانیان دنبال شد» (همان، ۲۲). آثار فلزی در جهان اسلام و به‌طور خاص موصل، به روش چکش‌کاری و به‌طور غالب ریخته‌گری و قالب‌گیری، که در دوره اسلامی به پیشرفت شایانی نائل آمد، تولید می‌شد. «فن ریخته‌گری و قالب‌گیری در ساخته‌های فلزی فنی است که از روزگار باستان، صنعت‌گران با آن آشنا بوده و در دوران اسلامی هنرمند فلزکار با تجربه و خلاقیت خویش آن‌را به درجه دقت و ظرافت رسانید» (بیانی، ۱۳۸۲: ۶۲). فن ریخته‌گری روشی است «سریع و کارآمد برای بازآفرینی اشیاء و مورد پسندترین روش ریخته‌گری روش قالب‌گیری و ریخته‌گری با موم است» (ward, 1993: 31). در فرآیند تولید و تزئین آثار فلزی در موصل، به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین بخش، مرحله شیوه نقش‌اندازی بر روی آثار بوده‌است. در فلزکاری موصل انواع فنون جهت ایجاد و کنده‌کاری انواع

نقش‌ها و تزئینات به کار می‌رفته که مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها فن ترصیع کاری بوده‌است. ترصیع کاری یا فلزکوبی «روشی است برای تزئین فلزات که در آن، نقش یا طرح مورد نظر را بر روی سطح شیء نقش و حکاکی کرده سپس محل طرح را با قلم، گود و خالی کرده سپس محل کنده کاری شده را با ماده دیگری مانند نقره و مس و یا طلا پُر کرده و آن را چکش کاری می‌کردند. در مرحله نهایی با تیز کردن آتش، آن‌را مسطح کرده به گونه‌ای که شیء یک تکه به نظر می‌رسید و سپس با سنگ عقیق یا یشم آن را صیقل می‌دادند» (العبدی، ۱۹۵: ۱۹۷۰ / حمزه لو، ۱۳۸۳: ۴۷). منظور از ترصیع کاری به طور کلی «ایجاد یک نوع تضاد در رنگ‌ها و ایجاد سایه روشن است که صنعت‌گران و هنرمندان فلزکار آن‌را به بهترین نحو بر روی اشیاء فلزی ایجاد می‌کردند» (بیانی، ۱۳۸۲: ۶۴). هنرمندان موصلی در دوران رونق هنر فلزکاری در این شهر توانستند انواع گوناگون موضوعات تزئین را توسط این تکنیک به طور گسترده و عمده در اشیاء تولیدی پیاده کنند. از دیگر فنون به کار رفته در آثار فلزی موصل که به ندرت استفاده شده‌است می‌توان به مشبک کاری<sup>۴</sup>، سیاه قلم<sup>۵</sup>، ملیله کاری<sup>۶</sup>، فیروزه کوبی<sup>۷</sup>، گوژکاری<sup>۸</sup>، اشاره داشت. با بررسی تزئینات موجود و به کار رفته در آثار موصل، می‌توان گفت به طور کلی چهار نوع تزئین در آثار موصل وجود دارد که عبارت است از: تزئینات جانوری شامل نقوش حیوانی و پرندگان، تزئینات انسانی، هندسی، گیاهی، کتیبه‌ای یا نوشتاری. تزئینات یاد شده بر سطح و بدنه آثار غالباً در فضای نوارهای افقی که هم‌چون کمربند بدنه فلزی را محیط کرده‌است و یا درون ترنج‌هایی پنج، هشت و یا دوازده پُرکنده کاری شده‌است. هنرمند هوشمندانه و با رعایت تناسب ریاضی، فضاهای مناسب و متناسبی را جهت آفرینش، به وجود آورده‌است.

### آبریزهای موصل

آبریز، یکی از عمده‌ترین تولیدات مکتب فلزکاری موصل است. فراوانی این ظرف و تزئینات پُرکار آن در مکاتب فلزکاری جغرافیای اسلامی، حاکی از کاربرد فراوان آن و این‌که با هدف ساخت برای دربار سلاطین، اشراف‌زادگان، طبقه ثروتمند و یا به قصد هدیه به شخصیت‌های برجسته و بزرگ، همراه بوده‌است. در این مقاله چهار آبریز از این مکتب معرفی، توصیف و تحلیل می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که نویسنده مقاله با جستجوی بسیار و با زحمت فراوان توانست صرفاً تصاویر این آثار را از موزه‌های محل نگهداری پیدا کند اما جزئیات آن‌ها به صورت رنگی موجود نیست و نویسنده مجبور بود تا از جزئیات به صورت سیاه و سفید استفاده کند.

جدول ۱. آبریز احمد زکی النقاش موصلی

تصویر	تاریخ تولید	جنس آبریز	فن ساخت	شیوه تزئین	ارتفاع اثر	محل نگهداری
	۱۲۲۳ میلادی ۶۲۰ هجری قمری	آلیاژ برنج	ریخته‌گری و چکش کاری	ترصیع کاری با نقره	۳۶/۵ سانتی‌متر	موزه کلیولند آمریکا

تصویر ۱. کتیبه به خط نسخ شامل نام سازنده و تاریخ ساخت

## عمل احمد زکی النقاش الموصلی فی سنه عشرین و ستمائه و العز لصاحبی

این آبریز به گواهی تاریخ ساخت « قدیمی ترین اثر فلزی ساخت موصل است که وجود دارد و توسط احمد زکی النقاش موصلی ساخته شده است » (العبدی، ۱۹۷۰: ۴۷). به طور کلی، شکلی کروی و قاعده‌ای دایره‌ای شکل دارد، دسته آن از بالا ثابت و از دو طرف با گوی‌های دایره‌ای شکل تزئین شده است. اما از طرف پایین متحرک و از شانه بدنه در آمده و به سمت بالا رفته و سپس به طرف داخل متمایل می‌شود. گردنه آبریز عبارت است از لوله‌ای که در محل اتصال به بدنه، اندکی باریک می‌شود و لوله آبریز نیز هم‌چون کانالی از شانه بدنه به صورت مستقیم در می‌آید. کریستین رایس<sup>۱</sup> در مورد این آبریز و اجزای آن معتقد است: « بعدها اضافاتی به این آبریز افزوده شده که همان درپوش آبریز و حلقه بالایی گردن و تکه‌ای که به لوله آبریز در قسمت نزدیک به بدنه چسبیده است. هم‌چنین قاعده آبریز نیز الحاقی است » (Rice, 1949: 297).

### گردن آبریز

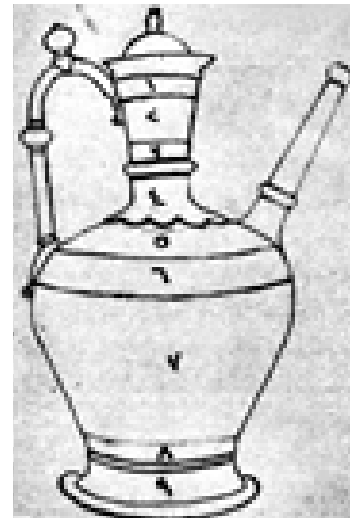
لوله‌ای تو خالی است که در ناحیه اتصال به کتف یا شانه آبریز اندکی باریک می‌شود و مساحتی با ده قسمت پره‌ای شکل را تشکیل داده است. در قسمت پایینی گردن، حلقه برجسته‌ای مشاهده می‌شود که گردن آبریز را به دو قسمت بالایی و پایینی تقسیم می‌کند. بخش بالایی آن از سه نوار تشکیل می‌شود اما تزئینات آن پاک شده به گونه‌ای که مشکل بتوان تزئینات و نقوش روی آن را تشخیص داد. در بخش پایینی حلقه نیز نواری قرار دارد که با خط نسخ (تصویر ۱) نوشته شده است. این کتیبه شامل نام سازنده و تاریخ ساخت آبریز می‌باشد. متن کتیبه چنین است: " عمل احمد زکی النقاش الموصلی فی سنه عشرین و ستمائه و العز لصاحبی ". یعنی " ساخت احمد زکی النقاش موصلی در سال ۶۲۰ هـ صاحب من سربلند باد ". گاستون وایت متن کتیبه فوق را چنین خوانده است: « احمد؟ الزکی النقاش الموصلی فی سنه عشرین و ستمائه و العز لصاحبه » (Wiet, 1932: 170). به نظر می‌رسد واژه "لصاحبی" با بقیه واژه‌های متن هم خوانی ندارد و لذا این واژه می‌بایست "لصاحبه" باشد. هم‌چنین دو نام دیگر (حسین بن قاسم و استا المحتسب) بر گردن آبریز دیده می‌شود که گویا الحاقی بوده و بعداً اضافه شده باشند. القلقشندی معتقد است که « واژه استا اختصار واژه استاد بوده باشد که از جمله القاب مشهور در عصر عباسی بوده است و به خواجهگان (خادمان اخته شده) اطلاق می‌شد که در عصر ممالیک به آن‌ها طواشی گفته می‌شد » (القلقشندی، ۱۹۱۳: ۴۸۹)

### بدن آبریز

به طور کلی بدنه آبریزهایی که در این کنکاش مورد بررسی قرار گرفتند، شامل نوارهایی افقی و ترنج‌ها یا نگاره‌هایی به صورت متصل و پیوسته هستند که درون ترنج‌ها نقوش انسانی، حیوانی و پرندگان وجود دارند. هر ترنج حکایت از روایت و قصه‌ای دارد. صحنه‌هایی از زوایای مختلف زندگی آدمی، از زندگی دربار طبقه حاکمان، درباریان و اشراف‌زادگان گرفته تا زندگی طبقه

محروم و پایین دست جامعه، صحنه‌هایی از موسیقی، شکار، جنگ و نبرد، مسافرت، ورزش کردن، کشاورزی در مزرعه و غیره.

در تصویر ۲، طرح خطی آبریز را می‌بینیم که دارای نه نوار افقی بر روی بدنه آن است. متأسفانه از بالای گردن یعنی از نوار اول تا چهارم تزئینات آن پاک شده‌است. نوار پنجم که کتف آبریز را در بر می‌گیرد تقریباً تزئینات آن پاک شده است به طوری که قسمت زیادی از نقره کاری روی آن از بین رفته است و جز شیح‌هایی از آن باقی نمانده‌است که بیان‌گر مجلس و تخت‌شاهی، آواز و موسیقی است. نوار مذکور با دسته و لوله آبریز قطع شده است. نوار ششم هم که در پایین قرار دارد، با دو ردیف از دانه‌های مروارید از بالا و پایین تزئین شده‌است. میان این رشته‌های مروارید، کتیبه‌ای به خط کوفی تو در تو وجود دارد. این کتیبه از بالا به نقوش انسانی ختم می‌شود. «اغلب بر این باورند که فلزکاران موصل در این زمینه از فلزکاران ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند، زیرا این نوع کتابت برای اولین باور روی یک اثر فلزی ایرانی و تاریخ‌دار مشاهده شده است» (Harari, 1939: 308). نوار هفتم پهن‌ترین و گسترده‌ترین نوارهای روی بدنه است. از بالا و پایین با دانه‌های مروارید شکل احاطه شده‌است که دارای سه نوع ترنج مساوی با حجم‌های گوناگون است. پنج تا از این ترنج‌ها بزرگ و یکی متوسط که روبه روی آن‌ها قرار داده شده‌است و این در حالی است که هر یک از ردیف‌های بالایی و پایینی نوار مذکور، ده ترنج نگین شکل را در بر می‌گیرند که از ترنج‌های پیشین کوچک‌تر هستند. این ترنج‌ها در جاهای خالی میان ترنج‌های بزرگ و متوسط قرار داده شده‌است. زمینه هر یک از ترنج‌های نوار هفتم، از تزئینات گیاهی و نقش‌مایه‌های اسلیمی ظریف تشکیل و ترصیع کاری شده و موضوعات هر یک از آن‌ها بعضاً کم‌یاب و حتی بی‌نظیر است.



تصویر ۲. طرح خطی آبریز احمد زکی النقاش موصلی

### ترنج‌های نوار شماره ۷: پهن‌ترین و عمده‌ترین نوار آبریز

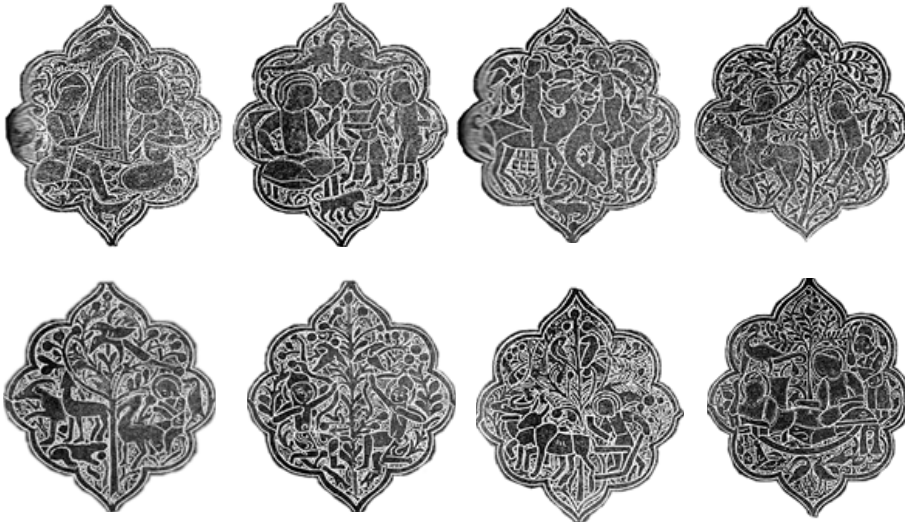
این نوار از ترنج‌هایی بزرگ و کوچک و در دو ردیف هشت‌تایی تشکیل شده‌است که اغلب محتوای بسیاری از آن‌ها از بین رفته است. در این جا هشت ترنج بزرگ و عمده را که هنوز نقوش واضحی دارند و در جدول ۲ آمده است، بررسی و تحلیل می‌شود.

ترنج اول: از مجموعه ترنج‌های بزرگ است. در وسط ترنج نقش درختی دیده می‌شود که بر آن سه پرنده قرار دارد. در سمت چپ آن، فرد شکارچی سوار بر اسب، تیرش را به سوی پرنده‌ای نشانه رفته‌است. در حالی که در طرف راست درخت، دهقانی با بیل مشغول شخم زدن زمین است و توشه‌ای از یکی از شاخه‌های درخت آویزان است که گمان می‌رود غذای کشاورز درون آن است. در ترنج دوم، دو نفر را در حالی که سوار بر شترهای شان در حال ملاقات و گفتگو هستند، به ما نشان می‌دهد. رایس در مورد این نگاره معتقد است که: «یکی از آن دو، جام یا دسته گلی در دست دارد» (Rice, 1949: 295)، اما العبیدی معتقد است که: «هیچ شیئی در دست آن فرد مشاهده نمی‌شود» (العبیدی، ۱۹۷۰: ۴۸). در این ترنج، سه پرنده در بالا و یک خرگوش در پایین کنده کاری شده است. در ترنج سوم، تصویر زنی را مجسم می‌کند که بر تختی نشسته و آینه‌ای در دست و دو طاووس بالای سر او قرار دارد. در سمت چپ وی، دو نفر ملازم ایستاده‌اند، یکی از آن‌ها به زن نزدیک‌تر است و به نظر می‌رسد جعبه آرایشی در دست دارد. ملازم دیگر چیزی را به پیش او

جدول ۲. محتوای نوار هفتم آبریز

موضوع تزئین	نوع تزئین	نوار شماره هفتم	
کشاورزی و شکار	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج اول	شکل ۳
گفتگو و ملاقات	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج دوم	
زندگی درباری (آرایش کردن)	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج سوم	
موسیقی (نوازندگی)	انسانی، گیاهی، جانوری (پرنده)	ترنج چهارم	
حیات درباری (ماساژ دادن)	انسانی، گیاهی، جانوری (پرنده)	ترنج پنجم	شکل ۴
شخم زدن زمین کشاورزی	انسانی، گیاهی، جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج ششم	
شکار	انسانی، گیاهی، جانوری (پرنده)	ترنج هفتم	
چوپانی یا شبانی	انسانی، گیاهی، جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج هشتم	

می‌برد که خیلی قابل تشخیص نیست. در پایین تصویر نیز نقش حیوان کوچکی ترسیم شده است. ترنج چهارم، صحنه موسیقی را نمایش می‌دهد. دو فرد در زمینه‌ای از تزئینات گیاهی، در مقابل هم نشسته‌اند که یکی در حال نواختن چنگ و دیگری مشغول نی زدن است. هم‌چنین تعدادی پرنده دور تا دور ترنج و محیط پیرامون دو نوازنده را فرا گرفته است. در ترنج پنجم، شخصی ترسیم شده که به نظر می‌آید زن باشد. او روی تختی دراز کشیده و دست راستش را زیر سرش و دست چپش را بر روی سینه‌اش گذاشته است و شخصی که چهره او مشخص نیست در کنار پاهایش نشسته است. به نظر می‌رسد که این شخص مشغول ماساژ دادن است. ولی رایس معتقد است که «شخص مذکور در پیش پای زن کاسه‌ای در دست راستش دارد» (Rice, 1949:296). در همین حال پشت سر این شخص، زنی ایستاده و پیاله یا چراغی در دست دارد. در این تصویر نقش درخت و پرنده به طور پراکنده دیده می‌شود. در ترنج ششم، فرد کشاورزی به همراه گاواهن خود که در دست چپش قرار دارد و دو گاو که گاواهن را می‌کشند، در حال شخم زدن زمین است. پس زمینه ترنج، نقش درختی هویداست که دو پرنده رو به روی هم بر روی شاخه‌های آن نشسته‌اند. صحنه این ترنج اولین بار است که در آثار فلزی اسلامی و موصل جلوه‌گر می‌شود. در ترنج هفتم، دو شکارچی به‌طور قرینه و روبه‌روی هم در دو سوی درختی بر روی زانوهای شان نشسته‌اند و



تصویر ۳: ترنج‌های نوار شماره ۷ بدنه آبریز، به ترتیب از راست به چپ ترنج‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴

تصویر ۴: ترنج‌های نوار شماره ۷ بدنه آبریز، به ترتیب از راست به چپ ترنج‌های شماره ۵، ۶، ۷، ۸

به طرف دو پرند که روی درخت نشسته‌اند تیراندازی می‌کنند. در ترنج هشتم، چوپانی در مقابل درختی نشسته، در حال نواختن نی است. گله‌ای متشکل از سه گوسفند به حال خود رها شده‌اند و سگ چوپان نیز بر روی زمین چُمباته زده است. پرندهای بالای درخت و یکی هم پشت سر چوپان قابل مشاهده است.

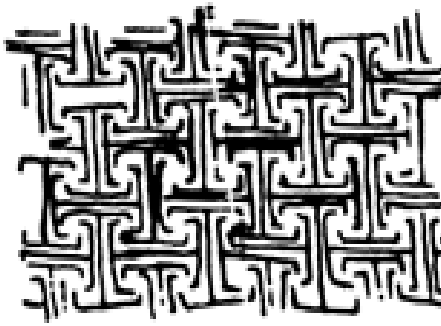
ترنج‌های ریزتری نیز در نوار هفتم وجود دارند که چیز زیادی از تزئینات درون آن‌ها باقی نمانده است و به مرور زمان اغلب ترصیع کاری‌های آن از بین رفته‌است. ولی بعضی از نقوش این ترنج‌ها باقی مانده‌است. به عنوان نمونه از میان ترنج‌های ردیف بالایی، سوارکاری را می‌بینیم که سوار بر اسب قرار دارد و یکی دیگر در حالت پیاده، تیرش را به سوی حیوانی نشانه رفته‌است و در ترنج دیگری، نقش انسان بالداری دیده می‌شود که کلاهی به سر دارد. و در میان ترنج‌های ردیف پایین تر افرادی را می‌بینیم که به نواختن عود و زدن طبل مشغول هستند و در نقش دیگری دو نفر در حال رقص هستند. روی ترنج دیگری نقشی وجود دارد که بیانگر افرادی است که نی و عود می‌نوازند و در بین آن‌ها درختی وجود دارد که العبیدی آن را درخت جاودانگی و زندگی می‌داند و معتقد است برگرفته از نقوش ایرانی است (العبیدی، ۱۹۷۰: ۵۳). در نقش دیگری، دو تن را نشان می‌دهد که یکی نی و دیگری دف می‌زند.

در نوار شماره ۸ انواع تزئینات شامل تزئینات جانوری به ویژه نقوش حیواناتی که بر زمینه‌ای از تزئینات و نقوش گیاهی از راست به چپ می‌دوند، نقش بسته است. اما قاعده آبریز با نوار شماره ۹ تزئین شده‌است که کتیبه‌ای بر آن نقش بسته‌است. بخشی از کتیبه به خط نسخ و بخش دیگری از آن به خط کوفی است. موضوع آن با اندک تغییری این گونه است: "المالکی العادلی المظفر الناصر المولوی". اغلب عقیده بر این است که «قاعده این آبریز الحاقی است و اصالت ندارد چون کتیبه‌ای که روی این قاعده حک شده است و پیش‌تر به آن اشاره شد شامل القابی است که در دوره مملوکیان مصر کاربرد آن رواج پیدا کرد، که این خاندان پس از تاریخ ساخت این آبریز حکمران بوده‌اند» (همان: ۵۴). در خصوص تزئینات دسته آبریز باید گفت که به تدریج و با کنده



جدول ۳. آبریز یونس بن یوسف موصلی

تاریخ تولید	جنس آبریز	فن ساخت	شیوه تزئین	ارتفاع و قطر اثر	محل نگهداری	تصویر
۱۲۴۷ میلادی ۶۴۴ هجری قمری	مس	ریخته‌گری و چکش کاری	ترصیع کاری با نقره	۴۰ سانتی متر ۱۸ سانتی متر	موزه بالتیمور آمریکا	



تصاویر ۵، ۶، ۷. از راست به چپ: نقش مایه T، دو شخص که یکی ظرف و دیگری عصایی در دست دارد، شخصی بر تخت نشسته و فردی در حال بوسیدن دست وی و دیگری پشت سر او ایستاده است.

شدن ماده مرصع کاری آن، بیش تر تزئینات از بین رفته است ولی در قسمت پائینی آن کتیبه‌ای به خط نسخ می‌یابیم که به واقع امضای هنرمند فلز کار است و این گونه نوشته شده است: "عمل احمد الزکی الموصلی" (Rice, 1949:268). بیش تر تزئینات لوله نیز از بین رفته است و مشکل بتوان تزئینات موجود بر آن را دنبال و بررسی کرد.

## گردن آبریز

بالاترین بخش گردن آبریز دارای نواری با چهار ترنج نگین‌وار است که بر روی زمینه‌ای از تزئینات گیاهی و اسلیمی کنده کاری و مرصع کاری شده‌اند. موضوعات این نگاره‌ها به طور کلی موسیقی (آوازخوانی و نوازندگی) است. ترنج‌ها از بالا و پایین با دو کتیبه به خط نسخ احاطه شده‌اند. به دنبال آن حلقه برجسته‌ای حکاکی شده است. در بخش پایینی این حلقه، کتیبه‌ای به خط نسخ شامل نام سازنده و تاریخ ساخت آبریز آمده و متن آن چنین است: "عمل یونس بن یوسف النقاش الموصلی سنه اربعه و اربعین و ستمائه" یعنی "ساخته یونس بن یوسف نقاش موصلی به تاریخ ۶۴۴ هجری قمری". این قسمت از گردن آبریز در بیش تر آبریزها محل نوشتن نام سازنده اثر است که به دنبال آن یقه‌های پروانه‌ای شکل قرار دارد.

### کتف (شانه) آبریز

کتف آبریز با نواری شامل هشت ترنج نگین‌وار تزئین شده‌است که با دایره‌های کوچکی به هم مربوط می‌شوند. این ترنج پر از بته‌های چهار برگی هستند که بر زمینه‌ای انبوه از تزئینات هندسی به ویژه نقش مایه (I) شکل دو سر خم و در هم فرو رفته (تصویر ۵) ترصع کاری شده‌اند. موضوعات این ترنج‌ها صحنه‌های موسیقی و به نوعی آوازه‌خوانی، سوارکارانی سوار بر اسب و شمشیر به دست، صحنه‌ای شامل دو شخص که یکی ظرفی و دیگری عصایی در دست دارد (تصویر ۶). علاوه بر این صحنه‌ها، روایت‌های تصویری دیگری که در آثار موصلی به کرار تکرار شده‌است، نیز دیده می‌شود، صحنه‌هایی نظیر شخصی نشسته بر تخت در حالی که فردی دست او را می‌بوسد و پشت سر او نگهبانی ایستاده است (تصویر ۷).

### بدنه‌ی آبریز

بدنه‌ی این آبریز با نوار پهنی آراسته شده که دور تا دور بدنه و میانه آبریز را در بر می‌گیرد و شامل شش ترنج است که بر زمینه‌ای از شاخه‌های ظریف گیاهی هم‌چون اسلیمی با موضوعات گوناگون قرار دارند. مشخصات این ترنج‌ها در جدول شماره ۴ آمده است.

ترنج اول: تصویر یک شکارچی سوار بر اسب را نشان می‌دهد که با تیر و کمان مشغول شکار است. ترنج دوم تصویر یک شکارچی سوار بر اسب و نیزه به دست را نشان می‌دهد که به دلیل وضوح پائین و از بین رفتن برخی ترصع کاری‌ها نمی‌توان تشخیص داد که در حال شکار حیوان است یا در حال نبرد با فرد دیگری است. در ترنج سوم، شاهزاده‌ای بر تخت نشسته و در پائین تخت دو شیر از او محافظت می‌کنند. در دو طرف وی دو پیشکار وجود دارد که «هریک چوگانی در دست دارند. این موضوع را بعضاً در بسیاری از آثار فلزی و سفالی دوره‌ی سلجوقی و نیز در هنر ساسانی می‌بینیم» (العبدی، ۱۹۷۰: ۸۶). در ترنج چهارم، صحنه‌ای با موضوع موسیقی دو نفر نشسته در روبه روی هم، یکی نی و دیگری عود می‌نوازند و میان‌شان درختی قرار دارد که احتمال می‌رود همان درخت حیات و جاودانگی باشد، که در دوران ساسانی بر بسیاری از آثار هنری جلوه‌گر بود. ترنج پنجم، موضوعی تکراری است که همان بوسیدن دست سلطان یا شخص باوقار است، در حالی که نگهبانی در کنار اوست و چتری راسایبان سلطان قرار داده است. ترنج ششم، دو نفر که یکی بر زمین نشسته و دیگری نیزه بلندی را در دست دارد، میان این دو، فردی اسب سوار است. در بالای نگاره نقش چند پرند به چشم می‌خورد، به نظر می‌رسد که ملازمان سلطان بوده و او را همراهی می‌کنند. آن‌چه در این ترنج‌ها قابل توجه است، این است که پس زمینه این نگاره‌ها نیز دارای تزئین است که اساس آن بر شاخه‌های گیاهی ظریف و حلزونی شکل است. در بالا و پائین نوار یاد شده، دو نوار دیگر قرار دارد که هر یک با تزئینات کتیبه‌ای و گیاهی با ظرافتی خاص مزین شده است. اما محیط قاعده آبریز دارای نواری با کتیبه‌ای کوفی است که دایره‌های کوچکی از تصویر انسانی آن را قطع می‌کند. اما دسته و لوله آبریز با شاخه‌های گیاهی مزین شده‌است. هم‌چنین تصاویر این آبریز چه تصاویر انسان و چه حیوان ضعیف هستند و مساحت‌های اختصاص یافته بر این نگاره‌ها برای این نقوش کافی نیست و گنجایش این تصاویر را ندارد.

جدول ۴. محتوای نوار پهن بر بدنه آبریز

موضوع تزئین	نوع تزئین	ترنج‌های نوار
شکار	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج اول (شکل ۸)
شکار یا نبرد	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج دوم (شکل ۹)
زندگی درباری (شاهزاده‌ای بر تخت)	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی)	ترنج سوم (شکل ۱۰)
موسیقی (نوازندگی)	انسانی و گیاهی	ترنج چهارم (شکل ۱۱)
احترام به سلطان	انسانی و گیاهی	ترنج پنجم (شکل ۱۲)
همراهی و محافظت از شخص سلطان	انسانی، گیاهی و جانوری (حیوانی و پرنده)	ترنج ششم (شکل ۱۳)



تصاویر ۸، ۹، ۱۰. به ترتیب از راست به چپ: شکار، شکار یا نبرد، زندگی درباری (شاهزاده‌ای بر تخت)




تصاویر ۱۱، ۱۲، ۱۳. به ترتیب از راست به چپ: موسیقی (نوازندگی)، احترام به سلطان، همراهی و محافظت از شخص سلطان

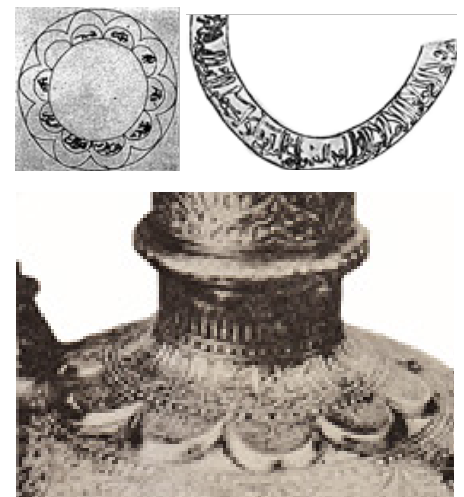
## گردن آبریز

گردن این آبریز شامل تزئینات گیاهی و کتیبه‌ای است که حلقه برجسته‌ای میان این دو عنصر تزئین حایل شده است. بخش بالایی این حلقه شامل نواری است که زمینه آن از تزئینات گیاهی به ویژه نقش مایه‌های اسلیمی است که شبکه‌ای با سطحی از سوراخ‌های بهم پیوسته مشبک شده بر روی آن قرار دارد. چارچوب و محیط این طرح مشبک کاری متشکل از شاخه‌های گیاهی

جدول ۵. آبریز قاسم بن علی موصلی

تصویر	تاریخ تولید	جنس آبریز	فن ساخت	شیوه تزئین	ارتفاع اثر	محل نگهداری
	۲۳۲ میلادی ۶۲۹ هجری قمری	آلیاژ برنج	ریخته‌گری و چکش کاری	ترصیع کاری با نقره	۴۰ سانتیمتر ۲۱/۵ سانتیمتر	موزه کیفور کیان، نیویورک آمریکا

است که به نیمه برگ‌های پالمت یا نخل ختم می‌شود. تزئینات خطی و نگارشی این اثر در قسمت پایین حلقه قرار دارد. در گردن و در زمینه‌ای با تزئینات گیاهی، کتیبه‌ای به خط نسخ وجود دارد و به وسیله دو خط با تزئیناتی از دانه‌ها یا مرواریدهای ریز ساسانی احاطه شده است (تصویر ۱۴). کتیبه روی گردن آبریز (تصویر ۱۵) چنین است: "العز و الإقبال لمولانا الأمير الأجل الکبیر الواهد، العابد، الورع المد و مدار شهاب الدنیا و الدین الملکی العزیزی" (wiet, 1932: 171). ابن اثیر در مورد این کتیبه و واژه‌های قبل از شهاب الدنیا و الدین معتقد است: «پیش‌تر حدس زده می‌شود که این آبریز برای کسی ساخته شده‌است که رابطه نزدیک و محکمی با ملک عزیز داشته‌است و احتمال دارد که ملک عزیز همان عزیز غیاث‌الدین محمد بن ملک ظاهر، غازی بن صلاح‌الدین، فرمانروای حلب باشد که میان سال‌های ۶۳۳ - ۶۱۳ هـ.ق حکومت کرده‌است و اگر این حدس درست باشد پس این شخص که صاحب آبریز است، احتمال دارد از نزدیکان ملک عزیز باشد» (ابن اثیر، ۱۲۹۰: ۱۲۹). با توجه به نام این شاهزاده بر روی آبریز این احتمال قوت می‌گیرد که این آبریز به سفارش شخص مذکور ساخته شده و جنبه صادراتی داشته‌است. چون «شهر موصل چنین ظرف‌هایی را صادر می‌کرد» (العبيدی، ۱۳۹۰: ۳۷). در بخش پایین این نوار خطی، ده نگین‌واره پروانه‌ای شکل وجود دارد که کتیبه‌ای به خط نسخ بر آن نگاهشته شده، این کتیبه از هم گسسته‌است و واژگان آن میان پره‌های این نگین‌واره‌ها پراکنده‌است و شامل نام سازنده و تاریخ ساخت آبریز است (تصویر ۱۶). متن کتیبه چنین است: "عمل قاسم بن علی، شاگرد ابراهیم بن موالیا الموصلی و ذالک فی رمضان سنه تسع و عشرين و ستمائه"، یعنی "ساخته قاسم بن علی، شاگرد ابراهیم بن موالیای موصلی و به تاریخ رمضان سال ۶۲۹ هجری قمری ساخته شد".



تصاویر ۱۴، ۱۵ و ۱۶. مرواریدهای ساسانی، کتیبه روی گردن، ده نگین‌واره شامل نام سازنده و تاریخ ساخت آبریز

### بدنه، دسته و لوله آبریز

بدنه آبریز کروی شکل است و سطح آن کنده کاری شده از تزئینات ظریف گیاهی و خط‌نگاره‌ها می‌باشد که نمونه آن‌ها بر گردن آبریز تا حدودی قابل مشاهده است. در واقع کنده‌کاری‌ها و ترصیع کاری‌های روی بدنه آبریز تزئیناتی تکرار شده بر روی گردن آن می‌باشند. دسته آبریز نیز با مرواریدهای ساسانی (دانه‌های گوی مانند) تزئین شده‌است. شکل لوله آبریز نیز راست و با تزئیناتی به هم پیچیده مانند آن‌چه روی دسته قرار دارد، می‌باشد.

جدول ۶ آبریز ابراهیم بن موالیای موصلی

تاریخ تولید	جنس آبریز	فن ساخت	شیوه تزئین	ارتفاع و قطر اثر	محل نگهداری	تصویر
۱۳۳۰ میلادی ۶۲۷ هجری قمری	برنج	ریخته‌گری و چکش‌کاری	ترصیع کاری با نقره و مس	۳۰/۸ سانتی‌متر ۲۲/۵ سانتی‌متر	موزه لوور پاریس	



تصویر ۱۷. بخشی از اثر، کتیبه به خط کوفی بر نوار اول با  
 مضمون دعا و ثنا برای صاحب اثر

این آبریز کروی شکل و قاعده آن گرد و گردنی کوتاه دارد. یکی از آشکارترین تفاوت‌های این آبریز یا سایر آبریزهای قبلی، خمیدگی لوله آن است که تقریباً به صورت زاویه قائمه بوده و دهانه آن به صورت و هیبت اژدها میباشد و دسته آن به شکل سگی که دهان باز کرده است، میباشد. العبیدی در مورد لوله و دسته این آبریز معتقد است: «به نظر می‌رسد که لوله و دسته این آبریز در زمانی دیرتر از خود آفتابه ساخته شده‌است چون با سبک و سیاق آبریز بیگانه و متفاوت است» (العبیدی، ۱۳۹۰: ۸۸). کد این اثر در موزه لوور، می‌باشد.

## گردن آبریز

بخش بالایی گردن با نواری از تزئینات گیاهی و به ویژه شاخه‌های پیچ در پیچ تشکیل شده‌است و از آن نقوش برگ‌های نخلی بیرون زده است. در پایین آن، نوار دیگری کنده کاری شده‌است که شامل تزئینات کتیبه‌ای و به خصوص خط‌نگاره نسخ است که بر زمینه‌ای از نقوش و تزئینات گیاهی حکاکی شده‌است. متن این کتیبه دعایی و چنین است: "عزت دائم، کرامت و اقبال زیاد و عمر جاویدان [برای صاحب اثر]". در پایین این کتیبه، حلقه‌ای قرار دارد که اندکی از گردن آبریز برجسته می‌نماید بخشی از آن به مساحتی نگین‌وار دارای دوازده نگین‌واره منتهی می‌شود که حاوی تزئینات گیاهی ظریفی از نقوش اسلیمی است.

## بدنه آبریز

این قسمت از آبریز که مهم‌ترین بخش به لحاظ تزئینات کنده‌کاری شده بر روی آبریز محسوب می‌شود، از تعدادی نوار افقی تشکیل شده که نیمی از این نوارها پهنای بیش‌تری دارند و نیمی دیگر باریک هستند. میان این نوارها، نوار بافته‌ها یا نوارهای بهم پیچیده‌ای قرار داده شده‌است. دو خط، این نوار بافته‌ها را در میان گرفته است که از مس سرخ فام ترصع کاری شده‌اند. این نوارها دارای تزئیناتی انسانی و حیوانی است. علاوه بر این، درون نوارها تزئینات هندسی و کتیبه‌ای نیز وجود دارد. نوار نخست که بخش بالایی بدنه را تشکیل می‌دهد، کتیبه‌ای به خط کوفی (تصویر ۱۷) بر زمینه‌ای از تزئینات گیاهی و حلزونی شکل نوشته شده‌است که به طور سنتی شامل دعاهایی است که متن آن چنین است: "العز و النصر و العمر و الجود و المجد و لافضال و الکرّم و الحلم و العفو أشیاء حضضت به عمل ابراهیم بن موالیاً" یعنی عزت و پیروزمندی و

عمر [جاودانه] و بخشندگی و بزرگ منشی، فضیلت و کرم و بردباری و گذشت چیزهایی است که شایسته ابراهیم بن موالیاست". در اینجا نام سازنده آمده، بدون این که نسب موصلی به او داده شود. ولی چنین به نظر می‌رسد که ابراهیم بن موالیاء، استاد اسماعیل بن ورد موصلی و قاسم بن علی است که هر دو موصلی بودند و ذکر آن‌ها از خاطر گذشت.

نوار دوم پهن تر از نوار نخست است و حاوی تصاویری از اشخاص و حیواناتی است که در یک ردیف گنجانده شده‌است. در این میان شخصی بر تخت نشسته و جامی در دست دارد. در دو طرف او در مجموع شانزده نفر دیده می‌شود، لوله و دسته آبریز به طور مساوی این افراد را قطع می‌کند. این افراد در حالت‌ها و حرکات متنوعی قرار گرفته و کنده کاری شده‌اند (تصاویر ۱۸ و ۱۹).

موضوعاتی از قبیل بازی با حیوانات ( نظیر سگ یا پلنگ)، حمل سلاح‌هایی از قبیل شمشیر و نیزه، سوار کاری با اسب، صحنه‌های روستایی (حمل بار با الاغ)، صحنه‌های درباری (فردی نشسته و دو نفر ملازم در طرفین ایشان)، می‌باشند. در این موضوعات، صورت و بعضی از پاها با مس سرخ فام ترصیع کاری شده، در حالی که سایر بخش‌های بدن شان نقره کوب است. بعضی از این اشخاص سرشان را با سرپوش‌هایی پوشانده‌اند و بعضی دیگر سر برهنه‌اند. زمینه این نوارها نیز با نقوش گیاهی بزرگی تزئین یافته است. پس از این نوار، نوار دیگری قرار دارد که کتیبه‌ای با خط نسخ بر زمینه‌ای از تزئینات گیاهی آن نقش بسته و متن آن چنین است: "العز الدائم والإقبال الشامل و العمر الخالد و الأمر النافذ و الجد الصاعد و العز و البقاء و الحمد و البهاء و الظفر بالاعدا و الدوله القاهره و الأفعال الفاخره و الکرامه العالیه و السلامه الکامله و الشفاعه و الکبیره لصاحبه"، یعنی "سربلندی دائمی و خوشبختی مطلق و عمر جاودانه و دستور لازم الإجرا و کوشش روزافزون و عزت و بقا و شکوه و پیروزی بر دشمنان و دولت مقتدر و کردارهای غرور آفرین و بخشش بسیار و تندرستی کامل و شفاعت و بزرگی از آن صاحب این آبریز باد". در پایین این کتیبه نوار دیگری قرار دارد که از جمله گسترده‌ترین نوارهای بدنه‌ی آبریز است. نوار یاد شده به ده ترنج محراب شکل تقسیم می‌شود. در هر ترنج دو نفر که یک بار نشسته و بار دیگر به صورت ایستاده، کنده کاری شده‌اند. موضوعات این ترنج‌ها تقریباً مانند هم است. برای مثال در چهار ترنج دو نفر در کنار هم ایستاده‌اند و در حال گفتگو هستند و در دو ترنج دیگر، دو نفر و یک درخت در میان ایشان تصویر شده است. موضوع دیگر ترنج‌ها، شکارپرنده، موسیقی (نواختن عود و نی) می‌باشد. زمینه این نوار به جز اندک ناچیزی تزئینات گیاهی، تزئین دیگری بر آن دیده نمی‌شود.

در نوار دیگری در پایین نوار فوق، با زمینه‌ای از تزئینات گیاهی و پیچ در پیچ، نقوش پرندگان واقعی و افسانه‌ای که صورت و هیبت انسانی دارند و الگوبرداری شده از هنر ایران است، به صورت جفت دیده می‌شوند. یکی از موضوعات منحصر به فرد این نوار «تجلی بازی چوگان است، طوری که بر روی نوار نامبرده تعدادی از سوارکاران بر روی اسب هایشان دیده می‌شوند که چوگان‌هایشان را به دست دارند و حرکات و حالات مختلفی به خود گرفته‌اند که این امر از مهارت و چابکی هنرمند در ترسیم این بازی حکایت دارد. علاوه بر آن، صحنه زیبایی از گیاهان حلزونی شکل بر زمینه این نوار، به آن زیبایی خاصی بخشیده است» (Migeon, 1927:37). متأسفانه تصویری از صحنه توصیف شده وجود ندارد که در این بخش آورده شود. از ویژگی‌های این آبریز می‌توان به « کاربرد مس قرمز در ترصیع کاری و نیز کاربرد شیوه و روش ساخته و پرداخته شدن



تصاویر ۱۸ و ۱۹. بخشی از نقوش کنده کاری و ترصیع کاری شده بر بدنه آبریز

درختان و ریشه‌های آن‌ها با اشکال کیفی تو در تو می‌باشد، این شیوه و شکل ما را به یاد مکتب نگارگری عربی «می‌اندازد» (دیماند، ۱۹۵۸: ۳۳). علاوه بر این موارد می‌بایست تصاویر پرندگان انسان‌نما و موجودات خیالی را که بر این آبریزها جلوه‌گر شده‌اند، را نیز اضافه کرد. ضمن این که بر تن برخی نقوشی روی آبریز «نوعی از لباس‌های کوتاه به تن شخصیت‌ها دیده می‌شود که از دو طرف گشاد است و نشان از حضور ویژگی‌های مکتب موصل دارد» (Wiet, 1932: 64).

### نتیجه

در بررسی و تحلیل چهار آبریز مورد مطالعه، از منظر شیوه ساخت، انواع فنون ساخت، انواع تزئینات و موضوعاتی که به عنوان تزئین بر بدنه این چهار آبریز به کار رفته است، نتایج زیر حاصل شد. آثار فلزی ساخت هنرمندان مکتب فلزکاری موصل به طور عام و آبریزهای حاضر در این کنکاش به شیوه ریخته‌گری و قالب‌گیری (البته به جای رس معمولی از ماسه سبز استفاده شد) و چکش‌کاری ورقه‌های سرد، ساخته و تولید شده‌اند. عمده فلزات و آلیاژهای کاربردی در تولید آبریزهای موصل، مس، آلیاژهای برنج و برنز (مفرغ)، نقره و بعضاً طلا بوده است. در بررسی فنون به کار رفته در آبریزهای ساخت موصل، شیوه ترصیع‌کاری با مس و به ویژه مس سرخ‌فام و نقره‌کوبی و نیز طلاکوبی استفاده شده است. علاوه بر ترصیع‌کاری با مس و نقره از دیگر فنون نظیر مشبک‌کاری، سیاه‌قلم، ملیله‌کاری یا ریسندگی، فیروزه‌کوبی و گوژکاری استفاده شده است. انواع تزئینات و موضوعات به کار رفته بر سطح آبریزها (بدنه، گردن، دسته، لوله و پایه) عمده تحلیل و محور بررسی‌های انجام گرفته در این کنکاش بوده است. انواع تزئیناتی که در آثار فلزی موصل و به ویژه در چهار آبریز کذا به کار رفته است عبارتند از: تزئینات انسانی (سلطان، شاهزاده، سوارکار، صیاد و شکارچی، آوازخوان، نوازنده، رقاص، بانوی دربار، ملازم و خدمتکار، کشاورز و چوپان)، حیوانی شامل (اسب، شیر[شیربالدار]، میمون، شتر، الاغ، گوسفند) و انواع پرندگان نظیر (مرغابی، اردک، شاهین، کبوتر و...)، تزئینات گیاهی و نباتی شامل (درخت[درخت زندگی]، نقوش اسلیمی و شاخه‌های پیچ در پیچ و درهم فرو رفته، نقوش نخل یا پالمت و گل‌های رزت)، تزئینات هندسی شامل (نقوش (T) شکل سرکچ، نقوش (Y) شکل و نقوش (Z) شکل)، تزئینات کتیبه‌ای و خط‌نگاره‌ها شامل خط نوشته عمده‌تاً به خط نسخ و به مقدار کم خط کوفی. موضوعاتی که در قالب خط نوشته به کار رفته است، انواع جملات دعایی، طلب رزق و روزی، سلامتی و طول عمر، بهروزی و خوش‌یمنی و غیره برای صاحب اثر می‌باشد.

موضوعات و صحنه‌هایی که در قالب تزئین بر سطح این چهار آبریز به کار رفته است شامل موارد زیر می‌شوند. موضوعات درباری و زندگی اربابی و درباری همانند صحنه "سلطان نشسته به صورت چهار زانو بر تخت که غالباً جامی در دست دارد" و دو ملازم در طرفین ایشان به خدمت ایستاده‌اند و یا در حال آوردن وسایل و یا خوردنی‌هایی برای ایشان می‌باشند. این صحنه از عمده صحنه‌های روایی است که در بسیاری از آثار فلزی موصل به کار تکرار شده است. در بعضی صحنه‌ها به جای سلطان، شاه بانویی نشسته و در حال آرایش خویش است و کنیزی برای وی صندوقچه جواهرات او را می‌آورد. از دیگر صحنه‌ها اربابی سوار بر اسب یا شتر است که ملازمی افسار مرکب او را می‌کشد و نگهبانی نیز به صورت مسلح از عقب، وی را محافظت و مشایعت می‌کند. از صحنه‌های شکار توسط شکارچی سوار بر اسب و یا پیاده و نشسته با تیر و کمان و یا

در بعضی صحنه‌ها دو شکارچی روبه‌روی هم و نشسته در حال تیراندازی به پرندگان و مرغان در حال پرواز، نیز می‌توان نام برد. موضوع نبرد و مبارزه تن به تن نیز از دیگر صحنه‌های روایی بر سطح آبریزهای مذکور می‌باشد. هم‌چنین صحنه‌های نمایشی موسیقی، آوازه خوانی و رقاصی و نوازندگی با انواع سازهایی چون عود یا بربط، نی، دف و چنگ توسط دو نفر روبه‌روی هم، ورزش کردن و انواع آن، هم‌چون کشتی‌گرفتن، چوگان‌بازی و انواع بازی با پلنگ یا سگ، موضوع چوپانی، کشاورزی [شخم زدن]، مسافرت و استراحت زیر درخت.

### پی‌نوشت

۱. اتابک، واژه‌ای است که دلالت بر نوعی از وظیفه و منصبی می‌کند. واژه‌ای است ترکی و مرکب از دو کلمه اتا به معنی پدر و بک به معنی امیر و سرهم به معنی پدر شاهزاده است. این لقب به مریبان فرزندان سلاطین سلجوقی داده می‌شد. اتابکان تا زمانی که شاهزاده کوچک به سن بلوغ می‌رسید به نیابت از آنان امور کشور را در دست داشتند و کم‌کم آن چنان قدرت یافتند که زمام مملکت به دست ایشان افتاد و فرزندان سلاطین هیچ قدرتی از خود نداشتند. (ن.ک: ابن اثیر، ۲۳۹۱ میلادی، البدایه و النهایه فی التاریخ، چاپخانه السعاده، قاهره، ج ۳۱ ص ۴۳۲). این در حالی است که برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که آل زنگی تا سال ۳۵۶هـ/۵۵۲۱م که مغولان در آن سال موصل را اشغال کردند هم‌چنان بر موصل حکومت می‌کردند.
  ۲. گل‌های رزت، برگ نخلی یا پالمت، شکل‌های دایره‌ای شکل‌های گوی مانند یا رشته‌های مروارید، شیرهای بالدار، پرندگان با صورت انسانی و موجودات خیالی و افسانه‌ای و غیره، همگی از تزئینات مشهور و رایج دوره ساسانی است که توسط هنرمندان فلزکار موصلی در آثار فلزی موصل کنده‌کاری و مرصع کاری شده است.
  ۳. این واژه در زبان عربی ابریق نام دارد. در برخی از منابع مکتوب نیز همین واژه به کار رفته است. پسندیده آن است که واژه آبریز استفاده شود.
  ۴. مجوّف و توخالی کردن قسم‌تهایی از ظرف را مشبک کردن می‌گویند. هم‌چون عودسوزها، بخوردان‌ها و پایه شمعدان‌های مشبک شده موصل.
  ۵. سیاه قلم: غیر از فن فلزکوبی یا ترصیع کاری روش تزئینی سیاه قلم نیز در انواع اشیاء به کار رفته است که مقصود از انجام آن ایجاد سایه روشن در سطح یکنواخت فلزات بوده است. در این روش هم‌چون ترصیع ابتدا سطح روی اشیاء با نقوش مورد نظر کنده‌کاری می‌شد و سپس ترکیبی از سولفات سیاه (مس+نقره+سرب) بر روی قسمت‌های کنده‌کاری شده ریخته می‌شد تا نقوش تزئینی را با سایه‌های تیره‌تر خود از قسمت‌های روشن بدنه ظرف متمایز سازد و به این ترتیب با ایجاد تضاد در رنگ‌ها هم قسمت‌های تزئینی را مشخص ساخته باشند و هم سطح بدنه شیء فلزی را از یکنواختی خارج نمایند.
  ۶. قرارگیری مفتول‌های باریک و ظریف مس، نقره و یا طلا در شیارهای ایجاد شده بر سطح فلز و خلق مجموعه‌ای از خطوط موازی، دایره، هاشور، نقطه چین و غیره.
  ۷. به کار بردن سنگ‌های فیروزه بر روی اشیاء فلزی به خصوص مس را فیروزه‌کوبی گویند.
  ۸. گوژکاری یعنی برجسته‌سازی سطح اشیاء از طریق چکش‌کوبی از پشت.
۹. eciR naitisrihC
۱۰. این نام بر روی دو اثر فلزی تاریخ‌دار آمده است؛ یکی صندوقچه فلزی اسماعیل بن ورد موصلی و دیگری آبریز قاسم بن علی، که هر دو خود را شاگرد ابراهیم بن موالیای موصلی دانسته‌اند (ن.ک. العبدی، ۰۷۹۱، ۸۸).
۱۱. منظور دیماند از مکتب نگارگری عربی، همان مکتب عباسی یا مکتب بغداد می‌باشد.



## منابع

- افروغ، محمد؛ قانی، افسانه (۱۳۹۲)، پژوهشی در شیوه‌های ساخت و مضامین مکتب فلزکاری موصل: مطالعه موردی صندوقچه بدرالدین لولوء، فصل نامه نگره ش ۲۸، ص ۴-۲۶.
- العبیدی، صلاح حسین (۱۳۹۰)، آثار فلزی موصل در عصر عباسی، ترجمه محمد افروغ و مسعود احمدی، تهران: نشر جمال هنر.
- القلقشندی، ابی العباس احمد (۵۱۳۳۱.ق)، صبح الأعشی، بالقاهره: مطبعه الأمیریة.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۲۹۰)، الكامل فی التاریخ، ج ۱۲، دارالطباعة بالقاهره.
- بیانی، سوسن (۱۳۸۲)، گفتاری در مورد فلز و فلزکاری و باستانشناسی، تهران: گروه باستانشناسی، دانشگاه تهران.
- تالبوت رایس، دیوید (۱۳۸۴)، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- حمزه‌لو، منوچهر؛ کیایی، منصور (۱۳۸۳)، هنر قلمزنی ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دیمانند، موریس (۱۹۵۸)، الفنون الاسلامیه (هنرهای اسلامی)، ترجمه به عربی احمد محمد عیسی، چاپ قاهره.
- رضازاده، طاهر؛ آیت‌اللهی، حبیب؛ مرانی، محسن (۱۳۹۲)، نقدی بر انتساب سه اثر از فلزکاری غرب ایران به مکتب موصل در نیمه اول قرن هفتم هجری، عودسوز ابوبکر سنی رازی، ابریق و شمعدان موزه ویکتوریا و البرت لندن، فصل نامه علمی پژوهشی نگره، ش ۲۷، صص ۳۵-۴۸.
- Harari, Ralph (1939), Metalwork after the early Islamic period, in pope (A.U) Survey of Persian Art, III, London and Newyork.
- Migeon, Gaston(1927), Manuel d'art Musulman.II.paris.
- Rice, D.s. The oldest dated "Musel" candles tick. Burlington Magazin, XCI, pp.334 - 40, 1949.
- Ward,Rachel(1993), Islamic metalwork, Cataluga of Victoria and Albert museum, London
- Wite,Gaston(1932), Catalogue Genral du Musee Arabe du Caire. Objects en cuiver. Institut Fraancais d'Archeologie orientale, le caire.